



۲۰۱۸/۰۴/۱۸

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

دزدان با پشتاره!

چندی پیش، برشنا شرکت در کابل، لست مقروضین خود را به دسترس رسانه ها گذاشت که در آن اکثرأ نام مقام های بلند پایه در دولت گذشته و حال دیده می شود. جالب هم اینکه این مقروضین، کسانی هستند که در برق های نوبتی شهر، از فیض روشنایی دایمی برخوردار و هیچگاه به برق های نوبتی که دیگر باشندگان شهر همیشه به آن رو به رو می باشند، گرفتار نیستند. این اطلاعیه مرا به یاد منظومه یی انداخت که نه سال پیش سروده شده و اینک باز از نظر عزیزان می گذرد:

دزدان بی وقار، به پشتاره را ببین	جولان نفس سرکش و اماره را ببین
بسته کمر به غارت دارائی وطن	این دستگاه سرقت و این داره را ببین
در سرزمین چور و به دنیای خود سری	بیکاره ای رسیده به هرکاره را ببین
از هیچ، بر فلک شد و پرزد بر آسمان	این ذره، سرکشیده به استاره را ببین
زد بر زمین کی را، به که جاه و جلال داد	بخشایش زمانه مکاره را ببین
بر اوج عز و شأن، به هوا رفته را نگر	بر خاک و خون نشسته آواره را ببین
جمعیتی فتاده به چنگال تنگ فقر	جمعی دگر، غنی و شکمباره را ببین
یکباره زاسمان بزمین خورد و خاک شد	رفتن به چنگ ذلت بیچاره را ببین
رسوای خاص و عام شد و خجلت جهان	دامان چیره و یخن پاره را ببین
فریاد عاجزان به دل او اثر نکرد	درسینه، سنگ سخت تر از خاره را ببین

دنیای ما «اسیر» به تاراج می برند

این رهنان ملک، درین قاره را ببین

